

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان / سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۵ / صفحات ۱۷۴-۱۵۳

نقش اقوام در همبستگی ملی

کریم مهری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۱۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر بسیج سیاسی اقوام و هم‌افزایی آن‌ها در جهت همبستگی ملی با تأکید بر نقش مذهب و زبان در بین شهروندان چهار گروه قومی (کرد، ترک، عرب و بلوچ) است. روش تحقیق کمی از نوع پیمایشی است که با حجم نمونه ۶۲۴ نفر بالای ۱۸ سال در سال ۱۳۹۳ صورت گرفته است. بین مجموعه متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق همبستگی قوی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۷۸۸ بوده و گویای این واقعیت آماری است که ۷۸ درصد از کل میزان بسیج سیاسی قومی وابسته به متغیرهای مستقل؛ اندازه جمعیت، احساس تبعیض و محرومیت، همگرایی، قوت بنیان زبان شناختی و احساس تو سعه‌یافتگی است. به عبارت دیگر، متغیرهای مستقل ۷۸ درصد واریانس متغیر وابسته بسیج سیاسی قومی را برآورد (پیش‌بینی) می‌کنند. همچنین با توجه به معنی‌داری آزمون F (۴۶۳/۶۰۳) در سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قابلیت تبیین متغیر وابسته را دارند. نتایج نشان می‌دهد؛ میانگین نمره تمایل به بسیج سیاسی قومی واگرایانه در بین کردها و بلوچ‌ها بیشتر از ترک‌ها و اعراب است. تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های نمرات تمایل به بسیج سیاسی قومی افراد در هر موقعیت بر اساس آزمون F با مقدار (۱۴/۰۵۸)، حداقل در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. به عبارتی دیگر قومیت افراد با تمایل به بسیج سیاسی قومی دارای ارتباط معنادار است. همچنین نتایج نشان می‌دهد؛ رابطه مستقیم و معنی‌داری بین میزان قوت بنیان زبان‌شناختی و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه وجود دارد.

واژگان کلیدی: بسیج سیاسی اقوام، تبعیض اقتصادی، بنیان زبان‌شناختی، مذهب.

۱. استادیار پژوهشی گروه اجتماعی موسسه تحقیقات تربیتی، روانشناختی و اجتماعی دانشگاه خوارزمی.

Email: kmehrik@yahoo.com

صحت مطالب مقاله بر عهده نویسنده است و مقاله بیانگر دیدگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام نیست*

مقدمه

بر مبنای تعاریف بسیج سیاسی می‌توان بسیج سیاسی قومی را بازتعریف کرد؛ بسیج سیاسی قومی فرایندی است که قومیت‌ها با ایجاد وفاداری اعضا به یک سازمان یا رهبر، بر مبنای مسائل قومی، آمادگی گروه را برای عمل جمعی افزایش می‌دهند. (پناهی؛ ۱۳۸۹: ۳۳۴) برخی از متفکران معتقدند اهمیت بسیج قومیت‌ها در جامعه سیاسی مدرن از اهمیت کشمکش طبقاتی به مراتب بیشتر است. در این خصوص راگین می‌نویسد: "مارکسیست‌ها و نئومارکسیست‌ها بسیج سیاسی قومیت^۱ را به عنوان نیروی دارای پتانسیل گسیختگی^۲ در جامعه سیاسی مدرن^۳ می‌بینند. مارکسیست معروف نایرن^۴، اظهار می‌کند که جنبش جدایی طلب سلتیک (جنبش قومی) در بریتانیا می‌تواند جایگزین کشمکش طبقاتی گردد؛ یعنی می‌توان جنبش قومی در بریتانیا را تهدید اصلی وحدت نظام سیاسی بریتانیا دانست و نقش آن را از کشمکش طبقاتی بارزتر دانست. لیپست، روکان و آلفرد بسیج قومی بحرانی شده را تهدید یکپارچگی نظام سیاسی می‌داند و معتقدند بسیج قومی توانسته تسلط شکاف‌های کارکردی^۵ مورد انتظار جامعه سیاسی مدرن را تحت‌الشعاع قرار دهد." (Ragin, 1979:619) ظهور بسیج قومیت‌ها محدود به جامعه سیاسی بریتانیا نمی‌گردد در تمامی جوامع چند قومی ظهور و بروز جدید یافته است. در واقع بسیج سیاسی قومیت‌ها در تمامی سیاست‌های جوامع چند قومی بعد از جنگ جهانی اهمیت ویژه یافته است. حتی می‌توان گفت علت بیشتر خشونت‌های سطح ملی در سه دهه اخیر منبع بیرونی نبوده بلکه ریشه در تضاد قومی درونی داشته است (Said and Simmons, 1976:16) اما آیا در دنیای معاصر و مدرنیته امکان بروز و ظهور بسیج قومیت‌ها وجود دارد؟ بر اساس نظریه‌های اجتماعی کلاسیک؛ نیروهای سیاسی و اقتصادی متناظر با سرمایه‌داری غربی فرهنگ‌های محلی و قومی را تضعیف کرده و به تدریج تفاوت‌های فرهنگی بین‌المللی را نیز محو می‌سازد. از اهمیت تفاوت‌های قومی و فرهنگی به مثابه مبنایی برای کنش اجتماعی کاسته می‌شود و امکان بسیج سیاسی قومی کاهش می‌یابد. اما تجربه چند دهه‌ی گذشته، به ویژه اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، با این انتظارات در تضاد است. خیزش مجدد بسیج سیاسی قومی در هر گوشه اروپای غربی و جهان رخ داد. این ایده که کشورهای اروپای غربی منسجم و جوامع سیاسی مدرنی هستند که اپوزیسیون‌های قومی و فرهنگی جدی در آن‌ها جایی ندارند دیگر نقض شده است.

بی‌تردید عوامل متعدد می‌تواند در شکل‌گیری مناقشات قومی نقش داشته باشد. مذهب و زبان یکی از عوامل اصلی این مناقشات بوده است؛ در کنار عوامل ذکر شده نخبگان داخلی و کشورهای بیگانه نیز در شکل‌دهی به

-
1. Ethnic political mobilization
 2. Disintegrative force
 3. Modern polity
 4. Nairn
 5. Functional cleavages



بسیج اقوام نقش بازی می‌کنند که در بیشتر موارد از مذهب، تفاوت زبان، تبعیض اقتصادی - اجتماعی موجود در جامعه به عنوان ابزاری برای تحریک اقوام استفاده می‌نمایند. (کورت، ۲۰۰۱ ص ۲۱) شایان ذکر است تحقیقات بسیار کمی در خصوص هویت قومی و همگرایی‌های قومی انجام شده اما هیچ کدام به بررسی بسیج سیاسی اقوام نپرداخته‌اند.

مسئله اساسی که در قالب این مقاله بررسی می‌شود، بررسی عوامل مؤثر بر بسیج سیاسی اقوام و هم‌افزایی آن‌ها در جهت همبستگی ملی با تاکید بر نقش مذهب و زبان در بین شهروندان چهار گروه قومی (کرد، ترک، عرب و بلوچ) است که از داده‌های مربوط به پیمایش (پژوهش کمی) برای اندازه‌گیری رابطه بین متغیرهای احساس تبعیض، احساس نسبت به "اندازه جمعیتی، قوت بنیاد زبان‌شناختی، احساس همگرایی قومیت با بسیج سیاسی اقوام استفاده شده است.

۱. پیشینه تحقیق

مطالعه برای شناخت مقوله هویت و هویت جمعی، ملی یا قومی به عنوان یک مسئله اجتماعی و فرهنگی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی توسط بسیاری از محققان و نویسندگان انجام گرفته است. در ادبیات سیاسی-اجتماعی موجود برای بررسی مقوله هویت، هویت جمعی، هویت ملی و مفاهیم مشابه از قبیل: دولت-ملت، ناسیونالیسم، خود وجدان جمعی و انسجام اجتماعی به صورت عام و کلی و هویت ایرانی، ناسیونالیسم ایرانی، دولت ملی، و غیره و شناخت علل و عوامل مؤثر بر تکوین و تغییر هویت ملی مطالعات متعددی صورت گرفته است.

در آثار مختلف محققان، پژوهشگران و روشنفکران معاصر ایرانی نیز مطالب و یافته‌های قابل توجهی در مورد هویت و هویت جمعی در ایران می‌توان یافت. پژوهشگران متأخرتر ایرانی در تحقیقات خود تحقق پیشرفت و توسعه اجتماعی را با در نظر گرفتن ارزش‌ها و هویت اجتماعی مورد توجه قرار دادند. از آنجا که آن‌ها بیشتر از محققان و اسلاف خود به عمق چالش میان سنت و مدرنیته در ایران پی بردند و اهمیت ارزش‌ها و هویت بومی در این چالش برای آن‌ها بیشتر نمایان شد، بر همین اساس «آسیب‌شناسی هویت اجتماعی ایرانیان» را آغاز کردند و بحث درباره هویت و «بحران هویت» ایرانی در قالب مباحث کلی آسیب‌شناسی هویت اجتماعی در آثار آنان مطرح شد.

برای مثال نویسندگانی مانند احمد فردید، جلال آل احمد و علی شریعتی بحران هویت را در قالب مفاهیمی مانند «غرب‌زدگی» و «بیگانگی» با مظاهر مختلف دستاوردهای بشری مطرح کردند. روشنفکران و متفکران جدیدتر نیز به اشکال مختلف به آسیب‌شناسی هویت ایرانی پرداختند و به ویژه، به طور مشخص بحران هویت را به عنوان یک «مسئله اجتماعی» مورد توجه قرار دادند. تمامی این محققان در طرح این مسئله به نوعی تحت تأثیر متفکران غربی، به‌ویژه جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر، بوده‌اند.



از جمله این محققان که به بررسی مقوله ناسیونالیسم و تأثیر این ایدئولوژی بر انسجام سیاسی ایران پرداخته‌اند محمدعلی همایون کاتوزیان است. وی در کتاب اقتصاد سیاسی ایران به بیان و ارائه تقسیم‌بندی گرایش‌های ناسیونالیستی در ایران پس از انقلاب مشروطه پرداخته و آن را به سه گرایش تقسیم می‌کند، گرایش اول: ناسیونالیسم متجدد و مترقی، و آینده‌نگر، گرایش دوم ناسیونالیسم لیبرال، دموکراتیک و بورژوا؛ گرایش سوم ناسیونالیسم محافظه‌کار و آینده‌نگر، انزواطلب و گذشته‌نگر (تاریک‌اندیش و حامی فئودالیسم). وی تلاش می‌کند در مقالات و آثار دیگری از جمله «مصدق و نبرد قدرت»، «استبداد و دموکراسی و نهضت ملی» به بررسی علل شکل‌گیری، نحوه تداوم ناسیونالیسم و تبیین آن بپردازد.

افراد دیگری به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به مسئله هویت پرداخته‌اند در این بین افرادی نظیر مجتبی مقصدی در کتاب تحولات قومی در ایران و افرادی نظیر نادر انتصار، هوشنگ امیر احمدی، حسن حسین بر، عباس ولی به‌طور مستقیم بر هویت قومی مطالعه کرده‌اند.

پژوهش‌های میدانی متعددی در زمینه‌ی هویت قومی پرداخته شد. که در ذیل به یکی از آن‌ها اشاره می‌گردد. در این زمینه می‌توان به آقای دکتر چلبی و همکارانش در پژوهشی با عنوان هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران» و قاسیمان در تحقیق خود با عنوان «تأثیرات جهانی‌شدن بر قومیت‌گرایی: مطالعه موردی کردستان» و خندق آبادی در تحقیق خود با عنوان «قومیت و جنبش‌های اجتماعی در تاریخ معاصر ایران» به بررسی رابطه بین اقوام در جهت شکل‌گیری یک اجتماع ملی فراگیر می‌پردازد. پژوهش‌های ذکرشده و پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهد انسجام و یکپارچگی ملی در جوامع چند قومی از یک سو متأثر از کم و کیف روابط بین اقوام و از سوی دیگر متأثر از روابط دولت-قوم است که در تشکیل دولت ملی ظهور پیدا می‌کند. این پژوهش‌ها به دنبال کشف کم و کیف رابطه بین قومی در ایران، میزان تعلق و وفاداری اقوام به هویت ملی و تأثیر روابط بین قومی بر هویت ملی است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که با افزایش همکاری‌های بین قومی، تعلق و وفاداری اقوام به هویت ملی و اجتماع ملی افزایش پیدا می‌کند و در مقابل با افزایش تعارضات و خصومت‌های قومی، تعلق و وفاداری اقوام به هویت ملی تضعیف می‌شود. (چلبی و همکاران، ۱۳۷۸، قاسیمان: ۱۳۸۲، خندق آبادی ۱۳۷۲). هرچند در پژوهش مذکور به بررسی بسیج سیاسی پرداخته نشده است و در تحقیقات انجام‌شده داخلی هیچ پژوهشی در زمینه‌ی بسیج سیاسی قومی مشاهده نشده است اما بررسی متغیرهای دخیل در بسیج سیاسی هموار مهم شناخته‌شده است.

راگین (۱۹۷۹) در تحقیق خود با عنوان " بسیج سیاسی قومیت‌ها در مورد ولش " (راگین ۱۹۷۹) به بررسی نقش متغیرهای مورد نظر در تبیین بسیج سیاسی قومیت‌ها در مطالعه موردی خورد در ولش پرداخته است. روش تحقیق او مطالعه تاریخی-تطبیقی است او در این تحقیق سعی در مقایسه‌ی تئوری‌های تبیین‌کننده بسیج قومیت‌ها دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تحلیل بسیج قومیت‌ها از منظر تئوری‌های لیبرال تا حدودی با تبیین



تئوری توسعه همخوانی دارد در حالی که تحلیل بسیج قومی از منظر ملی‌گرایی با تئوری رقابت‌های قومی تبیین می‌گردد.

مارتیندال (۱۹۸۶) و کمپبل (۱۹۹۵)، در نتیجه پژوهش خود پیرامون بازنمایی اقلیت‌های نژادی در گزارش‌های خبری، به این جمع‌بندی رسیده‌اند که بارزترین تصویری که از آمریکاییان آفریقایی‌تبار در اخبار ارائه می‌شود، تصویر مجرمانی است که با اسلحه و خشونت مأنوس‌اند، به‌ویژه سیاه‌پوستان فقیر که به دلیل ارتباطشان به جرائم، خشونت، مواد مخدر، باندهای تبهکاری و بارداری در سنین نوجوانی از معیارهای اخلاقی پذیرفته‌شده جامعه فراتر رفته‌اند و همچون «تهدیدی» برای جامعه معرفی می‌شوند (همان، ص ۱۸۶).

اخیراً نیز سارا ایشولتز و همکارانش تحقیقی را درباره بازنمایی زنان و اقلیت‌های قومی-نژادی در فیلم‌های مدرن انجام داده‌اند. آن‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا برای تحلیل ۵۰ فیلم تولیدشده در سال ۱۹۹۶، به بررسی ترکیب قومی و جنسیتی کاراکترهای قهرمان و اصلی فیلم‌ها پرداختند. آن‌ها این بررسی را به هدف ارزیابی قدرت حضور اقلیت‌ها و زنان از طریق شیوه بازنمایی کاراکترها در شغل‌ها، نقش‌های جنسیتی شغل‌ها، و پرستیژ شغل‌ها انجام دادند. یافته‌های آن‌ها حاکی از این است که در مقایسه با نتایج تحقیقات پیشین پیشرفت‌هایی در بازنمایی اقلیت‌ها و زنان در سینما صورت گرفته است اما هنوز آن‌ها در فیلم‌های هالیوودی در نقش‌های کلیدی کمتر ظاهر شده و بازنمایی‌شان هنوز با کلیشه‌های سنتی همراه است (۲۰۰۲: ۳۳۴).

الیزان و لندن در طی سالهای ۱۹۷۹-۱۹۸۰ در مرکز تحقیق پیمایشی دانشگاه میشیگان مطالعه‌ای تحت عنوان مشارکت سیاسی و اجتماعی سیاهان آمریکایی با یک نمونه ۲۱۰۷ نفر انجام دادند و به میزان ۷۰ درصد نمونه را مورد مصاحبه قرار دادند. در رویکرد مشارکت، دیدگاه‌های اجتماع قومی و حیران‌کننده بر مطالعه و مشارکت سیاسی اجتماعی سیاهان مسلط هستند و می‌توانند در سطوح نسبتاً بالایی جمعیت سیاهان را مورد بررسی قرار دهند. یکی از محدودیت‌های اصلی تحقیق در نواحی سیاهان ضعف ابزار و سنجش‌های تئوری حیران‌کننده است. در تحلیل رگرسیون لجستیک متغیرهای مستقل جنس، سن، آموزش، درآمد، محل سکونت، آگاهی نژادی، اتکای به نفس و مناعت وفاداری با مشارکت سیاسی در سطح معنی‌دار کمتر از ۵ درصد مورد بررسی قرار داده‌اند. از میان این متغیرها بین اتکا به نفس و آگاهی نژادی، آموزش، محل سکونت و مشارکت سیاسی رابطه معنی‌دار، مستقیم و مثبت وجود دارد و تأثیر متغیرهای جنس، سن با مشارکت سیاسی در سطح معنی‌داری استاندارد شده یعنی کمتر از ۵ درصد معنی‌دار نیست (Elison & London, ۱۹۹۲: ۶۸۱-۶۹۳).



۲. تعریف مفاهیم

الر قومیت را فرایندی اجتماعی و روان‌شناختی می‌داند که به واسطه آن افراد با یک گروه و برخی از جنبه‌های فرهنگ آن گروه ارتباط می‌یابد و از این حیث عبارت است از آگاهی از تفاوت، برجستگی ذهنی آن تفاوت و هم‌چنین بسیج شدن بر اساس آن تفاوت (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۱۶۰).

بسیج سیاسی قومیت^۱: بسیج سیاسی قومی فرایندی است که قومیت‌ها با ایجاد وفاداری اعضا به یک سازمان یا رهبر، بر مبنای مسائل قومی، آمادگی گروه قومی برای عمل جمعی را افزایش می‌دهند (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۳۴).
بنیان زبان شناختی^۲، میزان مهم شناخته شدن زبان قومی برای بخش زیادی از جمعیت قومی است (Ragin, 1979:623).

همبستگی ملی^۳، احساسی است که مفهوم تعیین هویت و وفاداری را در بردارد، بدین ترتیب در حس همبستگی ملی احساس مشترکی میان سرزمین و مردمان مختلف آن به وجود می‌آید بدون آنکه آن‌ها از لحاظ فرهنگی و فضایی به هم نزدیک باشند (بشیریه، ۱۳۸۷: ۳).

مذهب^۴: مذهب عبارت است از تمام یا بخشی از دستورات دینی (اعم از عقاید، اخلاقیات و احکام) را شامل می‌شود (طالبان، ۱۳۸۰: ۴۹).

۱-۲. سنجش متغیر بسیج سیاسی اقوام

متغیر وابسته تحقیق حاضر تمایل به بسیج سیاسی اقوام هست که با محاسبه شاخص‌های نظیر؛ تمایل به داشتن مقام و قدرت قومی، کاندیدای مقامی بودن، درخواست حمایت سیاسی از قومیت خود، شرکت در جلسه طرح استراتژی و نقشه برای قوم، عضویت فعال در پیکار سیاسی قومی، شرکت در اجتماعات و تظاهرات قومی، ایجاد بنگاه مالی برای حزب قومی یا کاندیدا، تماس با یک صاحب‌نظر و صاحب‌منصب قومیتی، پوشیدن یک علامت یا نشان مربوط به قوم خود، تلاش برای گفتگو با دیگر هم‌زبانان و تشویق به توجه به یک مراسم قومی، برپا کردن بحث سیاست قومی به دست آمده است.

1. Ethnic political mobilization
2. Linguistic bases
3. National solidarity
4. Religion



۳. چارچوب نظری

عوامل مؤثر بر بسیج سیاسی قومیت متعدّدند و یک نظریه واحد و مورد وفاق در خصوص تبیین بسیج سیاسی قومیت وجود ندارد. از این رو، در این قسمت پس از ارائه خلاصه‌ی برخی نظریات، سعی خواهد شد یک چارچوب نظری تلفیقی تدوین شود.

یکی از نظریه‌های تبیین‌کننده بسیج سیاسی اقوام دیدگاه توسعه‌ی^۱ است برهان‌های این دیدگاه توسط اندیشه‌های روکان و لیپست^۲ پشتیبانی می‌گردد. به طور خلاصه، روکان و لیپست استدلال می‌کنند که انواع متفاوت شکاف‌های سیاسی در زمان فازهای متفاوت توسعه جامعه سیاسی مدرن بروز می‌یابند. از دیدگاه آن‌ها در جوامع سیاسی اروپای غربی شکاف‌های کارکردی منشعب شده از منافع اقتصادی^۳ بر شکاف‌های سیاسی مبتنی بر آشخور فرهنگی پیشی گرفته‌اند. قومیت، در این دیدگاه، به لحاظ فرهنگی اجتماعی متمایز و از نظر جغرافیایی به حاشیه رانده شده هستند که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی نسبت به مرکز در انزوای نسبی قرار دارد. بسیج سیاسی قومی به خاطر ایجاد فاصله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی خرده ملت (قومیت) با بقیه ملت صورت می‌گیرد. (Ragin 1979:620)

یکی دیگر از دیدگاه‌های تبیین‌کننده بسیج سیاسی اقوام دیدگاه واکنش قومی^۴ است. واکنش قومی بر این باور است که تخصیص خاص گرایانه نقش‌ها و منابع ارزشمند به گروه قومی مسلط اصلی‌ترین علت بسیج سیاسی قومی است. تخصیص خاص گرایانه می‌تواند در جوامعی با هر سطح از تفکیک ساختاری^۵ رخ دهد. بدین ترتیب هویت قومی در جوامع مدرن به واسطه روی هم قرار گرفتن قومیت و طبقه اجتماعی حفظ می‌شود. هکتر نظریه واکنش قومی را با استدلال‌های مارکسیست‌های کلاسیک و دیدگاه‌های مربوط به استعمار درونی^۶ پیوند می‌زند. (Ragin, 1979:621) لذا به دلایل بالا امکان طرح این فرضیه مشخص وجود دارد که میزان ثروت نسبی قومیت (پایگاه اجتماعی پاسخگو) با میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه معناداری وجود دارد. ثروت نسبی خرده ملت بیش از همه با دیدگاه واکنش قومی در ارتباط است. این دیدگاه بسیج قومی را واکنشی با نابرابری و بهره‌کشی تلقی می‌کند مفهوم بهره‌کشی زمانی بخت بیشتری دارد که خرده ملت نسبت به مناطق مرکزی ملت فقیرتر باشد. دیدگاه توسعه‌ای نیز بر ثروت نسبی اهتمام دارد. دیدگاه رقابت قومی نیز بر متغیر فوق تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه خرده ملت‌هایی با منابع بزرگ‌تر بخت بیشتری برای بسیج دارند.

1. The Developmental Perspective
2. Lipset and Rokkan
3. Economic interest
4. The Reactive Ethnicity Perspective
5. Structural differentiation
6. Internal colony

در مدل "استعمار داخلی" و دیگر انواع "قومیت واکنشی" پیش‌بینی می‌کنند که تجدید حیات قومی در زمان تقسیم‌کار فرهنگی بیشتر محتمل به نظر می‌رسد، اما مدل به دلیل موسوم به "رقابت قومی" ادعا و پیش‌بینی می‌کند که تجدید حیات قومی موقعی بسیار محتمل است که تقسیم‌کار فرهنگی را در هم شکستند و نابرابری‌های گروهی از بین بروند (ناگل و الزاک، ۱۹۸۲: ۷ - ۱۳۰). در یک نظام یکدست و همسان، قومیت مبتنی بر رقابت، در زمانی که افراد گروه‌های مختلف در حال رقابت بر سر منافع یکسانی هستند پدیدار می‌شود (نیلسن، ۱۹۸۵: ص ۱۳۴). لذا به دلایل بالا امکان طرح این فرضیه مشخص وجود دارد که احساس تبعیض اقتصادی - اجتماعی و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه معناداری وجود دارد. متغیر تبعیض قومی با هر سه دیدگاه تبیین می‌گردد. بسیج قومی در دیدگاه توسعه‌ای، نوعاً در منطقه‌ای منزوی و در حال افول و مورد تبعیض واقع شده رخ می‌دهد و در دیدگاه واکنش قومی استثمار عامل بسیج است. افول شاخصی از انباشت فلاکت و فقر و پیشرفت می‌تواند نشانی از راه جدید استثمار منابع خرده ملت توسط گروه مسلط باشد که می‌تواند خودبه‌خود سبب پیرامونی شدن بیشتر باشد.

یکی دیگر از دیدگاه‌های تبیین‌کننده بسیج سیاسی اقوام دیدگاه رقابت قومی^۱ است. این دیدگاه معتقد است مدرنیزاسیون اجتماعی و ساختاری به دو طریق بر خرده ملت‌ها و ملت‌ها تأثیر می‌گذارد. اول، مدرنیزاسیون با تضعیف کردن هویت‌های فرهنگی و ملی و خرد، تنوع قومی در میان خرده ملت‌ها و درون فرهنگ مسلط را می‌کاهد. دوم مدرنیزاسیون، با تغییر دادن شرایط رقابت میان اجتماعاتی که به لحاظ سیاسی قابل‌تعریف هستند، اهمیت هویت‌های قومی کلان را افزایش می‌دهد. مقاومت سازمان‌یافته در برابر مرکز زمانی پیش می‌رود که حول هویت کلان سازمان یابد (Ragin, 1979:622).

یکی از تئوری‌های که در ایران بیشتر مورد توجه بوده است، تئوری محرومیت نسبی است. بر اساس این تئوری در ایران پدیده محرومیت مناطق قومی بسیار اهمیت ویژه دارد. از منظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رابطه بین محرومیت و بسیج سیاسی واگرایانه اقوام را می‌توان یک رابطه مستقیم و مثبت در نظر گرفت. بدیهی است محرومیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دو بعد قابل مطالعه است. اولین بعد آن، نمود واقعی و عینی محرومیت مناطق مختلف قومی بر اساس شاخص‌های مختلف آماری است. نمود دوم، برداشت و ذهنیت افراد مناطق محروم از میزان محرومیت آن‌ها، می‌تواند در شکل دهی به بسیج سیاسی اقوام مؤثر باشد. در این مقاله هم سعی شده بعد بین‌الذهانی مورد مطالعه قرار گیرد تا فاصله بین عقب‌ماندگی واقعی و میزان عقب‌ماندگی ذهنی مشخص گردد، تا از این رهگذر بتوان به تبیین نقش این متغیر بر بسیج سیاسی اقوام پرداخت. (صالحی؛ ۱۳۷۸: ۲۳)



لذا به دلایل بالا امکان طرح این فرضیه مشخص وجود دارد که احساس محرومیت نسبی و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه معناداری وجود متغیر محرومیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقوام با هر سه دیدگاه تبیین می‌گردد. قومیت در دیدگاه توسعه‌ای، نوعاً منطقه‌ای منزوی و در حال افول است.

یکی دیگر از دیدگاه‌های تبیین‌کننده بسیج سیاسی اقوام دیدگاه همگرایی قومی^۱ است پارکین از نظریه‌پردازان عمده این دیدگاه است. از دیدگاه پارکین گروه‌های قومی در ابتدا با یکدیگر تماس^۲ برقرار می‌کنند سپس باهم رقابت^۳ می‌کنند و بعد از آن با یکدیگر سازگاری^۴ می‌کنند و در نهایت باهم همگرا^۵ و ترکیب^۶ می‌گردند. هر چه میزان همگرایی بیشتر باشد، میزان بسیج سیاسی قومی کاهش می‌یابد. (Berry and Tischler, 1951:152)

لذا بر اساس این استدلال، می‌توان فرضیه همگرایی را تبیین نمود. در واقع، بین میزان حل‌شدگی (همگرایی) و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه معکوس وجود دارد. اما این ترکیب تنها در نسل اول ظهور می‌یابد و بر مبنای نظریه نسل سوم می‌توان گفت فرزندان نسل سوم اقوام همگرا شده گرایش شدیدی به واگرایی از هویت ملی دارند. لذا میزان همگرایی قومی یکی از تبیین‌گرهای تئوریک است. در کنار آن زبان و مذهب به‌عنوان دو شاخصه قومیت و میزان جمعیت قومیت می‌تواند نقش اصلی را در شکل‌دهی به هویت ماندگار و بسیج سیاسی بازی کند. دو فرضیه اصلی متناسب با وجود چنین فضایی طراحی گشته است. لذا به دلایل بالا امکان طرح این فرضیه مشخص وجود دارد که بین درک نسبت به میزان اندازه جمعیتی قومیت، قوت بنیاد زبان‌شناختی، مذهب و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه مثبت وجود دارد این فرض با دیدگاه رقابت قومی ارتباط دارد. بر اساس این دیدگاه چالش با گروه فرهنگی مرکزی باید بر بسیج گسترده‌ی هویت‌های اقلیت که اعضای زیادی را شامل شوند بنا گردد. قدرت زبان‌شناختی قومی متغیری است که با دیدگاه واکنش قومی ارتباط دارد. این دیدگاه بر این باور است که گروه‌های فرهنگی مسلط تعرض به فرهنگ و زبان قومیت را آغاز کرده و درواکنش به تعرض بسیج صورت می‌گیرد.

در این پژوهش، از نظریه‌ی واکنش قومی، توسعه‌ای، رقابت قومی همگرایی به‌عنوان نظریه اصلی استفاده شده است.

-
1. The Ethnic Assimilation Perspective
 2. Contact
 3. Competition
 4. Accommodation
 5. Assimilation
 6. Amalgamation



۴. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر کمی از نوع پیمایشی است. جمع‌آوری اطلاعات از طریق مراجعه مستقیم پژوهشگر به پاسخگویان و ارائه پرسشنامه به آن‌ها، انجام گرفته است. پرسشنامه بعد از تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم طراحی شده است. پرسشنامه این تحقیق تابع تعریف عملیاتی مفاهیم بوده است. محتوای پرسشنامه را سنج‌های قابل مشاهده تشکیل می‌دهد. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش، پس از مطالعات اسنادی و بررسی تحقیقات پیشین، با استفاده از سؤالات بسته، در دو بخش تهیه شده است. بخش اول پرسشنامه مربوط به سازه‌های تحقیق شامل متغیرهای بسیج سیاسی اقوام، برداشت از توسعه، همگرایی، احساس تبعیض و محرومیت، قوت بنیان زبان‌شناختی و اندازه جمعیت است که با استفاده از مقیاس لیکرت سنجیده شده‌اند. بخش دوم مربوط به سؤالات فردی و جمعیت‌شناختی است. در این بخش از پاسخگویان درباره وضعیت تاهل، سن و سطح تحصیلات، بعد خانوار و غیره پرسیده شده است. همچنین در تحقیق حاضر برای تکمیل کلیات و چارچوب نظری پژوهش از کتاب‌ها، مقالات، و سایر اسناد مکتوب به‌عنوان ابزار پژوهش استفاده شده است. متغیرهای مورد بررسی بر اساس چارچوب نظری تحقیق تعریف و تعیین شده است. تکنیک مورد استفاده برای تکمیل نمودن پرسشنامه‌ها، خود اظهاری است. به این ترتیب پس از تعیین حجم نمونه قابل سنجش در هر شهر، پرسشنامه‌ها به‌طور تصادفی بین افراد توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری شده‌اند. نمونه‌گیری به‌صورت طبقه‌بندی چند مرحله‌ای متناسب با حجم جمعیت هریک از طبقات و به‌طور سیستماتیک انجام گرفت. حجم نمونه ۶۲۴ نفر زنان و مردان ۱۸ تا ۶۰ سال است که بر اساس فرمول کوکران انتخاب شده است. در این بررسی، تحلیل در سطح فرد است. شهروندان چهار استان با قومیت عرب (خوزستان)، ترک (آذربایجان)، کرد (کردستان)، بلوچ (سیستان و بلوچستان) مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

۴-۱. روش و تکنیک‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای انجام پردازش اطلاعاتی از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است. در این پژوهش ضمن آزمون فرضیات، مدل معادلات ساختاری تحقیق به کمک Amos Graphics نیز آزمون شده است.



۵. یافته‌های توصیفی

۵-۱. سن پاسخگویان

اطلاعات مربوط به سن پاسخگویان در جدول شماره یک نشان می‌دهد، سن پاسخگویان در ۵ گروه سنی دسته‌بندی شده‌اند. بنابر اطلاعات جدول، طیف سنی ۲۱ تا ۳۰ ساله‌ها دارای بیشترین توزیع فراوانی در جدول زیر هستند که این مقدار ۵۳/۱ درصد از فراوانی پاسخگویان را شامل می‌شود. همچنین طیف سنی کمتر از ۲۰ ساله‌های این پژوهش دارای کمترین توزیع فراوانی مقدار ۶/۵ درصد است.

جدول ۱-۱. توزیع فراوانی سن پاسخگویان در رده‌های مختلف سنی

رده سنی	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۲۰ سال	۳۵	۶/۵
۲۱-۳۰	۳۱۳	۵۳/۱
۳۱-۴۰	۱۵۱	۲۸/۰
۴۱-۵۰	۸۶	۱۶/۱
بیشتر از ۵۱ سال	۳۹	۷/۳
جمع کل	۶۲۴	۱۰۰

۵-۲. وضعیت توزیع فراوانی تجمیع گویه‌های مربوط به سؤالات طیف بسیج سیاسی اقوام

جدول شماره ۲ نشان‌دهنده توزیع فراوانی تجمیع گویه‌های مربوط به طیف بسیج سیاسی اقوام است. این طیف شامل ۱۱ گویه است. نمرات هر گویه بین ۱ تا ۵ رده‌بندی شده است، که نمره ۱ نشان‌دهنده کمترین میزان بسیج سیاسی اقوام و نمره ۵ بالاترین میزان بسیج سیاسی اقوام است. جمع نمرات ۱۱ گویه، نمره میزان بسیج سیاسی اقوام را نشان می‌دهد که بالقوه می‌تواند بین نمره ۱۱ (حداقل نمره) و نمره ۵۵ (حداکثر نمره) باشد. در صورتی که هر فرد برای همه گویه‌ها عبارت "متوسط" را علامت بزند، میانگین کل نمره او از این گویه‌ها ۳۳ به دست خواهد آمد. جمع نمرات به‌دست‌آمده از این ۱۱ گویه، میزان بسیج سیاسی اقوام در حد کمتر از متوسط را نشان می‌دهد. میانگین به‌دست‌آمده از کل گویه‌ها برابر (۳۰/۰۱) است که از میانگین مورد انتظار (۳۳) که نشان‌دهنده گرایش در حد متوسط است، اندکی پایین‌تر است. هر چه این میانگین کل کمتر از عدد ۳۳ باشد، بیانگر میزان پایین بسیج سیاسی واگرایانه اقوام است که در این طیف بر اساس جدول زیر در سطح متوسط رو به پایینی قرار دارد.

جدول ۲- توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به بسیج سیاسی اقوام

گویه‌ها	میانگین
تمایل به پوشیدن یک علامت یا نشان مربوط به قوم خود	۲/۶۰
تمایل به کاندیدای مقامی قومی	۲/۸۹
تمایل به درخواست حمایت سیاسی از قومیت خود	۲/۸۷
تمایل به شرکت در جلسه طرح استراتژی و نقشه برای قوم	۲/۶۸
تمایل به عضویت فعال در پیکار سیاسی قومی	۳/۰۸
تمایل به شرکت در اجتماعات و تظاهرات قومی	۲/۶۰
تمایل به ایجاد بنگاه مالی برای حزب قومی یا کاندیدا قومی	۲/۱۹
تمایل به تماس با یک صاحب نظر و صاحب منصب قومیتی	۲/۷۲
تمایل به تمایل به داشتن مقام و قدرت قومی	۲/۷۴
تمایل به تلاش برای گفتگو با دیگر همزبانان و تشویق به توجه به یک مرام قومی	۲/۷۲
تمایل به بر پا کردن بحث سیاست قومی	۲/۹۲
جمع	۳۰/۰۱

۳-۵. یافته‌های تبیینی

۳-۵-۱. فرضیه اول پژوهش

۱- بین برداشت نسبت به میزان اندازه جمعیتی قومیت و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه مثبت وجود دارد؟

جدول ۳- رابطه بین اندازه جمعیتی قومیت و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی

برآورد	جامعه آماری	ضریب همبستگی
sig=۰/۰۰۰	N=۶۲۴	r=۰/۴۹۶

با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد (Sig=۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت (r=۰/۴۹۶) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معنی‌داری بین اندازه جمعیتی قومیت و میزان تمایل به بسیج



سیاسی قومی رابطه وجود دارد. یعنی هر چه افراد احساس کنند اندازه جمعیتی قومیت آن‌ها بیشتر باشد و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی آن‌ها بیشتر است.

۲-۳-۵. فرضیه دوم پژوهش

۲- بین میزان قوت بنیاد زبان‌شناختی و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول-۴. رابطه بین میزان قوت بنیاد زبان‌شناختی و تمایل به بسیج سیاسی قومی

برآورد	جامعه آماری	ضریب همبستگی
sig=۰/۰۰۰	N=۶۲۴	r=۰/۵۹۴

با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($\text{Sig}=۰/۰۰۰$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ($I=۰/۵۹۴$) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معنی‌داری بین میزان قوت بنیاد زبان‌شناختی و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه وجود دارد. یعنی هر چه افراد احساس کنند میزان قوت بنیاد زبان‌شناختی آن‌ها بیشتر باشد و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی آن‌ها بیشتر است.

۳-۳-۵. فرضیه سوم پژوهش

۳- بین میزان احساس محرومیت و تبعیض و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول-۵. رابطه بین میزان احساس محرومیت و تبعیض و تمایل به بسیج سیاسی قومی

برآورد	جامعه آماری	ضریب همبستگی
sig=۰/۰۰۰	N=۶۲۴	r=۰/۳۳۰

با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($\text{sig}=۰/۰۰۰$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ($I=۰/۳۳۰$) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معنی‌داری بین میزان احساس محرومیت و تبعیض و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه وجود دارد. یعنی هر چه افراد احساس کنند میزان احساس محرومیت و تبعیض نسبت به آن‌ها بیشتر باشد، میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی آن‌ها بیشتر است.



۴-۳-۵. فرضیه چهارم پژوهش

۴- بین برداشت از وضعیت اقتصادی و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول-۶. رابطه بین برداشت از وضعیت اقتصادی و تمایل به بسیج سیاسی قومی

بر آورد	جامعه آماری	ضریب همبستگی
sig=۰/۰۰۰	N=۶۲۴	r=۰/۴۰۳

با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($sig=۰/۰۰۰$) و ضریب همبستگی پیرسون منفی ($r=-۰/۴۰۳$) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه معکوس و معنی‌داری بین برداشت از وضعیت اقتصادی (در سطح کلان) و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه وجود دارد. یعنی هر چه افراد احساس کنند که از لحاظ وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (در سطح کلان) در سطح بالایی باشند، میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی آن‌ها کمتر است.

۵-۳-۵. فرضیه پنجم پژوهش

۵- بین میزان همگرایی و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه معکوس وجود دارد.

جدول-۷. رابطه بین میزان حل‌شدگی (همگرایی) و تمایل به بسیج سیاسی قومی

بر آورد	جامعه آماری	ضریب همبستگی
sig=۰/۰۰۰	N=۶۲۴	r=۰/۸۷۴

با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($sig=۰/۰۰۰$) و ضریب همبستگی پیرسون منفی ($r=-۰/۸۷۴$) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه معکوس و معنی‌داری بین میزان همگرایی و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه وجود دارد. یعنی هر چه افراد احساس کنند که از لحاظ میزان حل‌شدگی در فرهنگ اصلی و همگرایی با فرهنگ عام در سطح بالایی باشند، میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی آن‌ها کمتر است.

۶-۳-۵. فرضیه فرعی اول پژوهش

۱- بین جنسیت افراد و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه معناداری وجود دارد.



جدول-۸. آمار توصیفی جنسیت در رابطه با تمایل به بسیج سیاسی قومی

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف از میانگین
زن	۸۷	۵/۱۷	۲/۴۰	۰/۱۰
مرد	۵۳۷	۷/۴۷	۲/۰۹	۰/۲۲

بر اساس اطلاعات جدول فوق زنان و مردان رویکرد نسبتاً متفاوتی در رابطه با تمایل به بسیج سیاسی قومی داشته‌اند و این نکته با مقایسه میانگین آن‌ها مشخص است. چراکه میانگین تمایل به بسیج سیاسی قومی در دو گروه باهم متفاوت است. این اختلاف میانگین در میان دو گروه مربوط به نمونه آماری است و برای تعمیم آن به جامعه آماری به آزمون مقایسه میانگین‌ها نیاز داریم که در جدول زیر به بررسی و تحلیل آن می‌پردازیم.

جدول-۹. آزمون مقایسه میانگین تمایل به بسیج سیاسی قومی در دو گروه زنان و مردان

t-test Equality of means						آزمون لوین برای واریانس‌ها برابر		
فاصله اطمینان ۹۵ درصد	خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری دوطرفه	درجه آزادی	مقدار t	سطح معناداری	مقدار F	
								حد بالا
۲/۸۴	۱/۷۶	۰/۲۷۳	۲/۳۰	۰/۰۰۰	۶۲۲	۱/۴۳۱	۰/۰۳۲	۱/۶۰۵
۲/۷۹	۱/۸۱	۰/۲۴۷	۲/۳۰	۰/۰۰۰	۱۲/۸۸۵	۸		۴
					۵	۱/۳۲۳		
						۹		

نتایج آزمون لوین نشان می‌دهد با توجه به اینکه $\alpha = 0/05$ در نظر گرفته شود $\text{sig} = 0/032$ برای آزمون لوین خواهد بود که نشان می‌دهد واریانس دو گروه باهم برابر نیست و برای قضاوت در مورد فرض صفر از سطر دوم؛ یعنی شرط نابرابری واریانس‌ها استفاده نمود. طبق اطلاعات این ستون مقدار تی ۹/۳۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۰



شده است و این بدین معنی است که تمایل به بسیج سیاسی قومی در دو گروه زنان و مردان دارای تفاوت معناداری است و می‌توان گفت که تمایل به بسیج سیاسی قومی در بین زنان و مردان در جامعه آماری متفاوت است.

۵-۳-۷. فرضیه فرعی دوم پژوهش

۱- بین قومیت افراد و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول-۱۰. آزمون تفاوت میانگین تمایل به بسیج سیاسی قومی بر حسب قومیت

ناهل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی‌داری
ترک	۱۵۶	۶/۳۸	۲/۴۲	۱۴/۰۵۸	۰/۰۰۰
کرد	۱۵۶	۸/۰۳	۲/۲۰		
بلوچ	۱۵۶	۷/۴۱	۲/۴۳		
عرب	۱۵۶	۶/۷۸	۲/۵۹		
جمع	۶۲۴	۷/۱۵	۲/۴۹		

نتایج به‌دست‌آمده بر اساس آزمون F فرضیه فوق را تأیید نموده و تفاوت معناداری به لحاظ آماری بین میانگین‌ها را نشان می‌دهد. میانگین نمره تمایل به بسیج سیاسی قومی در بین کردها و بلوچ‌ها بیشتر از ترک‌ها و اعراب است. به عبارتی دیگر قومیت افراد با تمایل به بسیج سیاسی قومی دارای ارتباط معنادار است.

۵-۴. رگرسیون چندمتغیره

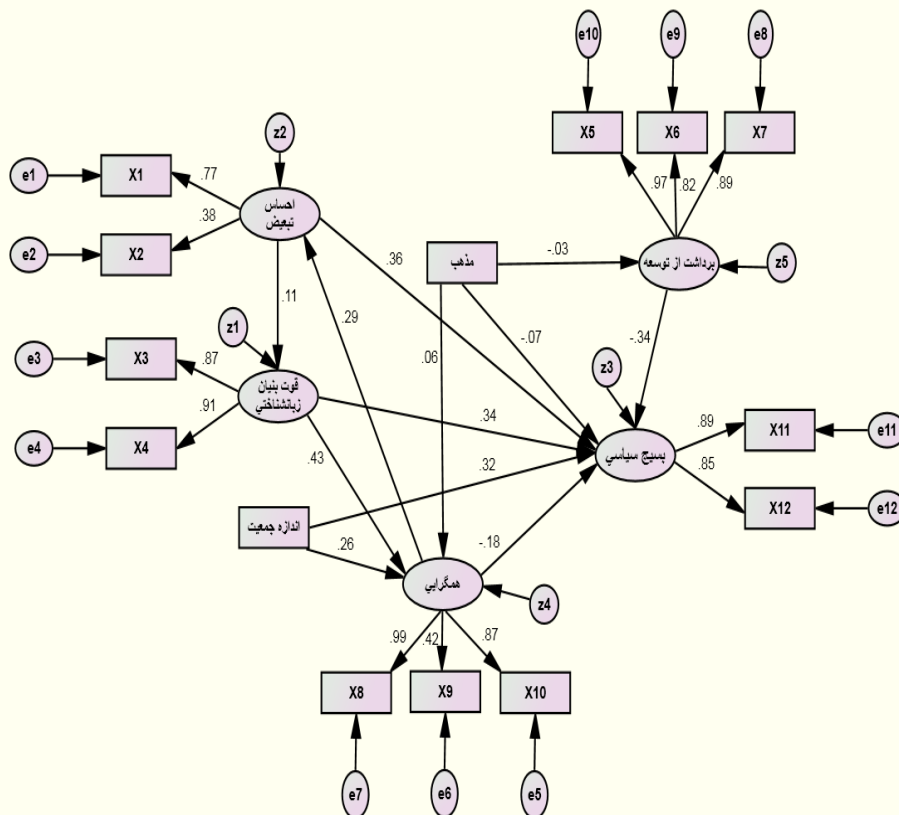
در تحقیق حاضر از آماره رگرسیون چند متغیره به شیوه اینتر^۱ استفاده شده است. نتایج این معادله رگرسیونی در جدول زیر ارائه شده است.

جدول-۱۱. عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش‌بینی بسیج سیاسی قومی

مدل ۱	سطح معناداری	مقدار آماره F	ضریب تعیین تعدیل شده (R ²)	مقدار همبستگی بین متغیرها (R)
	۰/۰۰۰	۴۶۳/۶۰۳	۰/۷۸۸	۰/۸۸۹

جدول ۱۱ نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی متغیرها $0/889$ است که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق همبستگی قوی وجود دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $0/788$ بوده گویای این واقعیت آماری است که ۷۸ درصد از کل میزان بسیج سیاسی قومی وابسته به متغیرهای مستقل؛ اندازه جمعیت، احساس تبعیض و محرومیت، همگرایی، قوت بنیان زبان شناختی و احساس توسعه‌یافتگی است.

۵-۵. مدل معادله ساختاری پژوهش



در این مدل متغیرهای پنهان شامل: بسیج سیاسی، احساس تبعیض و محرومیت، قوت بنیان زبان‌شناختی، همگرایی و برداشت از توسعه است. هرکدام از این متغیرها با شاخص‌هایی آشکار که معرف این سازه‌ها هستند تعریف شده‌اند. به عبارت دیگر می‌توان گفت وجود بسیج سیاسی اقوام در ایران چقدر متأثر از این متغیرها و چه روابط ساختاری بین آن‌ها وجود دارد. در مدل ساختاری فوق می‌توان ادعا کرد که رابطه چند جانبه‌ای بین متغیرها در جریان است. از یک سو بسیج سیاسی اقوام بامتغیرهای اصلی خودش که شامل: عمل جمعی و وفاداری تعریف شده‌اند که وفاداری با ضریب بالاتری بسیج سیاسی اقوام را تعریف می‌کند و ضریب آن (۰/۸۹) است. همچنین در بررسی روابط بین متغیرهای اصلی تحقیق جداول خروجی گویای معنادار بودن کلیه روابط موجود در مدل هستند. برای مثال متغیر احساس تبعیض و محرومیت با ضریب (۰/۳۶) تأثیر مستقیم و معناداری بر بسیج سیاسی دارد. این در حالی است که متغیر برداشت از توسعه با ضریب (-۰/۳۴) تأثیر معکوس و معناداری بر بسیج سیاسی دارد.

۵-۶. برازش مدل

در جدول ۱۲ نتایج تحلیل عامل مرتبه اول برای ساختار چهار عاملی نشان داده شده است و مقادیر در جدول ذیل به اختصار آمده است. در کل شاخص‌های برازش گویای برازش مطلوب و مناسبی برای مدل پژوهش هستند.

جدول ۱۲. شاخص‌های برازندگی مدل

شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار
CMIN	۲۲۴/۷۸۹	GFI	۰/۹۹۴	CFI	۰/۹۸۸
RMSEA	۰/۱۱۸	AGFI	۰/۹۶۹	NFI	۰/۹۷۹
CMIN/DF	۳۷/۴۶۵	RFI	۰/۹۳۸		

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در چند دهه اخیر قومیت‌ها در تمام دنیا گرایش‌های گریز از مرکز داشته‌اند و در این راستا اقوام دست به بسیج سیاسی زده‌اند. بررسی بسیج سیاسی گروه‌های قومی در ایران نشان دهنده تفاوت‌های گروه‌های قومی در نوع همگرایی است. نتایج حاصله از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین میزان قوت بنیان زبان‌شناختی و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه معناداری وجود دارد. زبان یکی از عناصر کلیدی تبیین کنند بسیج سیاسی قومی است. نتایج تحلیل آماری ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد رابطه مستقیم و معنی‌داری بین میزان قوت بنیان زبان‌شناختی و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه وجود دارد. یعنی هر چه افراد احساس کنند



میزان قوت بنیان زبان‌شناختی آن‌ها بیشتر باشد و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی آن‌ها بیشتر است. البته وزن رگرسیون زبان در حد ۳۴ درصد هست. بیشترین میزان توجه به زبان در نزد آذری‌ها مشاهده می‌شود و کمترین آن در میان بلوچ‌ها است. برای بررسی این رابطه به لحاظ تئوریک، از دلالت‌های نظری واکنش قومی استفاده شده است. قدرت زبان‌شناختی قومی متغیری است که با دیدگاه واکنش قومی ارتباط دارد. این دیدگاه بر این باور است که گروه‌های فرهنگی مسلط تعرض به فرهنگ و زبان قومیت را آغاز کرده و در واکنش به تعرض بسیج صورت می‌گیرد. میانگین نمره تمایل به بسیج سیاسی قومی واگرایانه در بین کردها و بلوچ‌ها بیشتر از ترک‌ها و اعراب است. تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های نمرات تمایل به بسیج سیاسی قومی افراد در هر موقعیت بر اساس آزمون F، حداقل در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. به عبارتی دیگر قومیت افراد با تمایل به بسیج سیاسی قومی دارای ارتباط معنادار است. در این بخش می‌توان از مذهب به عنوان متغیر مهم یاد کرد. مذهب به عنوان عاملی انسجام بخش یکی از شاخص‌های مهم تعیین‌کننده بسیج سیاسی شناخته می‌شود، تفاوت مذهبی با مذهب رسمی کشور می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مهم در ایجاد احساس نادیده گرفته شدن، مورد کم توجهی واقع شدن و به حاشیه رانده شدن در اقلیت مذهبی مزبور عمل نماید، در تحلیل داده‌های مشخص شده است که مذهب آذری‌ها و عرب‌های خوزستانی نقشی در چالش‌های سیاسی آنان در مقابل دولت مرکزی ایفا نمی‌کند.

نتایج حاصله از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین احساس نسبت به میزان اندازه جمعیتی قومیت و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه وجود دارد برای بررسی این رابطه به لحاظ تئوریک، با دلالت‌های نظری رقابت قومی ارتباط دارد بر اساس این دیدگاه چالش با گروه فرهنگی مرکزی باید بر بسیج گسترده‌ی هویت‌های اقلیت که اعضای زیادی را شامل شوند بنا گردد. (Ragin, 1979:622)

نتایج حاصله از پژوهش حاضر نشان می‌دهد بین میزان احساس محرومیت و تبعیض و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه معناداری وجود دارد. برای بررسی این رابطه به لحاظ تئوریک، از دلالت‌های نظری واکنش قومی بهره گرفته می‌شود. احساس محرومیت و تبعیض بیش از همه با دیدگاه واکنش قومی در ارتباط هست. این دیدگاه بسیج قومی را واکنشی با نابرابری و بهره‌کشی تلقی می‌کند ضریب رگرسیونی برای متغیر احساس تبعیض و محرومیت بر میزان بسیج سیاسی همگرایانه و هویت ملی بسیار بالا بوده و به لحاظ آماری نیز معنادار است. بدین ترتیب فرضیه تأثیر احساس تبعیض اقتصادی و فرهنگی بر میزان بسیج سیاسی همگرایانه تأیید می‌شود. نتایج حاصله از پژوهش حاضر نشان می‌دهد بین برداشت از وضعیت اقتصادی (در سطح کلان) و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه معنادار منفی وجود دارد. یعنی هر چه افراد احساس کنند که از لحاظ وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (در سطح کلان) در سطح بالایی باشند، میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی آن‌ها کمتر است. برای بررسی این رابطه به لحاظ تئوریک، از دلالت‌های نظری سه دیدگاه بسیج سیاسی بهره می‌گیرد.



نتایج حاصله از پژوهش حاضر نشان می‌دهد بین میزان حل‌شدگی (همگرایی) و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه معکوس وجود دارد. یعنی هر چه افراد احساس کنند که از لحاظ میزان حل‌شدگی در قوم مسلط و همگرایی با قوم مسلط در سطح بالایی باشند، میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی واگرایانه آن‌ها کمتر است. برای بررسی این رابطه به لحاظ تئوریک، از دلالت‌های نظری پارکین استفاده شده است. از دیدگاه پارکین گروه‌های قومی در ابتدا با یکدیگر تماس برقرار می‌کنند سپس با هم رقابت می‌کنند و بعد از آن با یکدیگر سازگاری می‌کنند و در نهایت باهم همگرا و ترکیب می‌گردند.

نتایج در کل نشان می‌دهد دیدگاه واکنش قومی و رقابت قومی را می‌توان در خصوص بسیج سیاسی قومی واگرایانه در ایران به کار گرفت. همچنین آشکار است که دیدگاه توسعه‌ای ابزار سودمندی برای درک بسیج سیاسی قومی ایران نیست. لذا پیشنهاد کاربردی این تحقیق آن است که سیاست‌گذاری کلان باید در جهت همگرایی میان اقوام بر اساس تأکید بر اشتراکات مذهبی و دوری جستن از هرگونه افتراقات زبانی یا مذهبی باشد.



منابع

- آشوری، داریوش، (۱۳۷۴)، ملیت و قومیت، ایران: از امپراتوری به دولت - ملت؛ ماهنامه ایران فردا، شماره ۱۸.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳) قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران، نشر نی .
- برتون، رولان، (۱۳۸۰)، قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه دکتر ناصر فکوهی، تهران، نشر نی.
- بشریه، حسین، (۱۳۷۵)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، نشر نی.
- پناهی، حسین، (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی انقلاب، نشر ثالث.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵)، از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی مرشدی زاده، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- تقفی، مراد (۱۳۸۴)، قومیت در علوم اجتماعی معاصر، فصلنامه گفتگو، شماره ۴۳، مهر.
- جیمز کورت، (۲۰۰۱)؛ مذهب و مناقشات قومی در تئوری؛ مترجم هادی اعلمی فریمان، خبر آنلاین ۴ اسفند ۱۳۸۹
- چلبی و همکاران، (۱۳۷۸)، هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران، طرح پژوهشی، وزارت کشور.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۰) " مسئله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران "، نامه انجمن جامعه‌شناسی، شماره ۳ .
- حسین زاده، فهیمه، ۱۳۸۰. گروه‌های قومی ایران، تفاوت‌ها و تشابه‌ها. تهران. فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم. شماره ۸.
- شارع پور (۱۳۸۳)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر فاصله اجتماعی گروه‌های قومی ساکن در محلات قومی شهر بندر ترکمن، پژوهش نامه علوم اجتماعی گرمسار، سال پنجم، شماره ۴، صالحی (۱۳۸۶): شناخت چالش‌ها و بحران‌های قومی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک
- English References:
 -Eller, J. (1999) : **From Culture to Ethnicity to Conflict** . Michigan: The University Press of Michigan Press
 Ragin, Charles .(1979) **Ethnic Political Mobilization The Welsh Case**, *American Sociological* ,Vol .44 (august):619-635
 -Ragin, Charles. (1970) **Industrialization and Ethnicity in Wales Politics** ,Cardiff University of Wales Press
 -Ragin, Charles. (1975) **Class, status and reactive Ethnic Cleavages**, *American Sociological* ,Vol .42
 -Said and Simmons. (1976) **Ethnicity in an International context**, new Brunswick-



:transaction press

Vermeersch ,Peter.(2011) **Theories of ethnic mobilization :overview and recent trends** ,CRPD (centre for research on peace and development), University of Leuven Belgium.www.google.



The Ethnic Role in National Solidarity

Karim Mehri

Received: 26 January 2016

Accepted: 03 April 2017

The aim of this study is investigation the factors that influence the political mobilization of ethnic and synergies towards national unity with an emphasis on the role of religion and language among the citizens of four ethnic groups (Kurds, Turks, Arabs and Baloch) in Iran. The navigation data (quantitative research) to measure the relationship between the variables of perceived discrimination, feeling "population size, strong linguistic foundation, the sense of convergence of ethnicity and ethnic political mobilization has been used. The coefficient of determination was adjusted as indicated 0.788 statistical fact that 78% of the total amount of ethnic political mobilization depends on the independent variables, population size, sense of discrimination and exclusion, convergence, and feel strong linguistic foundation's development. In other words, 78% of the variance in the dependent variable independent variables to estimate ethnic political mobilization (predicted) that. Also according to test significant F (643.603) at a significance level of less than 5% of the research can be concluded that the regression model is a good model and a set of independent variables explained the dependent variable. Results show that the average score tended to diverge between the Kurds and the Baluch ethnic political mobilization of Turks and Arabs more. The difference between mean scores tend to ethnic political mobilization in every location based on the test F (14.058), at least at the level of 99% is significant. In other words, ethnicity is correlated with the tendency of political mobilization.

Keywords: *political mobilization of ethnic groups, economic discrimination, based linguistic, religious.*